

این کتاب ترجمه‌ای است از
The Philosophy of Tragedy
From Plato to Aristotle
Julian Young
Cambridge University Press, 2013

فلسفه تراژدی

از افلاطون تا اریژک

جولیان یانگ

ترجمه حسن امیری آرا



فهرست

- سیاسگزاری..... ۱۳
- فهرست اختصارات..... ۱۵
- مقدمه..... ۱۷
۱. افلاطون..... ۲۱
- جنگ‌های فرهنگی در آتن چهار قرن پیش از میلاد..... ۲۱
- مناقشات مقدماتی..... ۲۳
- غیرقابل اعتماد بودن الهام..... ۲۳
- «شاعران بسیار دروغ می‌گویند»..... ۲۷
- استدلال نقاشی [هنر نمی‌تواند معرفت را برایمان فراهم آورد]..... ۳۱
- استدلال خم به ابرو نیاوردن..... ۳۸
۲. ارسطو..... ۴۹
- میمسیس [محاکات یا تقلید]..... ۵۰
- کاتارسیس..... ۵۶
- قهرمان تراژیک..... ۶۷
- هامارتیا..... ۶۹
- انتقاد..... ۷۳
۳. پس از ارسطو..... ۷۹
- هوراس، کاستلوترو و راپن..... ۷۹

سنکا ۸۸

فلسفه رواقی ۸۹

نمایشنامه‌های سنکا ۹۲

معما [ی تراژدی سنکا] ۹۴

حل [معمای تراژدی سنکا] ۹۵

انتقاد ۹۸

۴. هیوم ۱۰۵

مباحثات فرانسویان درباره لذت تراژیک ۱۰۷

نظریه «تبدیل» هیوم ۱۰۹

انتقاد ۱۱۴

۵. شلینگ ۱۲۱

کانت، فیشته، اسپینوزا و مسئله آزادی ۱۲۲

فلسفه به تنهایی نمی‌تواند واقعیت آزادی را به اثبات برساند ۱۲۸

چرا هنر؟ ۱۳۰

چرا تراژدی به طور خاص؟ ۱۳۱

مادونی تراژدی مدرن [در نسبت با تراژدی یونانی] ۱۳۷

فرم تراژدی یونانی ۱۳۸

محتوای تراژدی یونانی ۱۴۱

تأثیر تراژیک ۱۴۲

کانت و امر والا ۱۴۵

شلینگ و امر والا ۱۵۲

انتقاد ۱۵۵

۶. هولدرلین ۱۶۱

وضع بشر: «هشیاری» در برابر «مستی» ۱۶۲

وضع مدرن: ما در برابر یونانیان ۱۶۵

«به‌کارگیری آزادانه»ی امر آپولونی ۱۶۷

چرا محتاج احیای امر دیونوسی هستیم؟ ۱۶۸

وحدت دیونوسی ۱۷۳

تراژدی و امر دیونوسی ۱۷۵

انتقاد ۱۷۸

۷. هگل ۱۸۵

جوهر اخلاقی ۱۸۶

تعارض تراژیک ۱۸۹

قهرمان تراژیک ۱۹۳

علت تعارض تراژیک: شرح هگل از هامارتیا ۱۹۵

راه‌حل تراژیک ۱۹۷

هگل و کاتارسیس ۲۰۳

تراژدی مدرن ۲۰۶

تقدیر ۲۰۸

ادیپ ۲۱۲

آگاممنون ۲۱۶

تراژدی «هگلی» در برابر تراژدی «مقدّر» ۲۲۰

آیا هگل نسبت به شکسپیر بی‌انصاف بوده است؟ ۲۲۱

۸. کی‌یرکگور ۲۲۹

مدرنیته و سوپرکتیویته ۲۳۰

قهرمان تراژیک یونانی: آزادی، تقدیر، هامارتیا و تأثیر تراژیک ۲۳۳

کی‌یرکگور در برابر هگل در بحث تراژدی یونانی ۲۳۷

تراژدی مدرن ۲۳۹

بازنویسی آنتیگونه ۲۴۱

انتقاد ۲۴۴

۹. شوپنهاور ۲۴۹
- فلسفه عام شوپنهاور ۲۵۰
- هنر چیست؟ ۲۵۳
- امر زیبا ۲۵۵
- امر والا ۲۵۶
- بوطیقای تراژدی ۲۶۰
- لذت تراژیک ۲۶۴
- ترس و شفقت ۲۶۷
- تراژدی مدرن در برابر تراژدی یونانی ۲۶۹
- انتقاد ۲۷۱
۱۰. نیچه ۲۷۵
- مسئله: تهدید نیهیلیسم ۲۷۷
- هنر آپولونی هومر ۲۷۹
- راه حل آپولونی برای نیهیلیسم ۲۸۱
- امر دیونوسی ۲۸۴
- شادی تراژیک ۲۸۵
- تراژدی یونانی چگونه شادی تراژیک به وجود می آورد؟ ۲۸۶
- «وحدت نخستین» به مثابه وجودی طبیعی ۲۸۷
- «فریب شریف» ۲۹۰
- زندگی فقط به عنوان «پدیده‌ای استتیک»، «موجه» است ۲۹۲
- سقراط و مرگ تراژدی ۲۹۵
- آیا نیچه به پرسش پاسخ می دهد؟ ۲۹۷
- انتقاد ۳۰۰
۱۱. بنیامین و اشمیت ۳۰۳
- تراژدی در برابر نمایشنامه سوگناک ۳۰۶

- اسطوره در برابر امور جاری ۳۰۷
- «آگون» اخلاقی در برابر «مرگ شهدا» ۳۰۹
- مرگ بردبارانه در برابر مرگ والا ۳۱۱
- عمل پیوسته در برابر عمل ناپیوسته ۳۱۲
- خشونت روی صحنه در برابر خشونت خارج از صحنه ۳۱۲
- سوغ در برابر ترس و شفقت ۳۱۳
- نسبیت‌گرایی استتیک ۳۱۵
- ناسازگاری معیار معرف یک نمایشنامه سوگناک ۳۱۸
- نمایشنامه سوگناک در برابر نمایشنامه شهادت ۳۲۰
- آیا هملت نمایشنامه‌ای سوگناک است؟ ۳۲۱
- نمایشنامه شهادت در برابر تراژدی ۳۲۲
- اشمیت ۳۲۳
- هملت ۳۲۳
- تراژدی در برابر Trauerspiel [نمایشنامه سوگناک] ۳۲۶
- انتقاد ۳۲۹
۱۲. هایدگر ۳۳۳
- روایت اصلی هایدگر از تراژدی ۳۳۵
- انتولوژی و اخلاق ۳۳۷
- محتوای تراژدی ۳۴۰
- هایدگر و واگنر ۳۴۲
- آفریدن در برابر بیان روشن [مفصل‌بندی شده] ۳۴۷
- درسگفتارهای ایستر [دانوب] ۳۵۴
- انتقاد ۳۶۳
- امکان تراژدی مدرن ۳۶۷
۱۳. کامو ۳۷۵

- شرایطی که تراژدی تحت آن پدید می‌آید..... ۳۷۶
- تراژدی چیست؟..... ۳۷۷
- کامو و تأثیر تراژیک..... ۳۷۹
- مرگ تراژدی باستان و رنسانس..... ۳۸۰
- امکان زایش مجدد تراژدی..... ۳۸۲
- کامو و هگل..... ۳۸۷
۱۴. آرتور میلر..... ۳۹۱
- آیا امروز تراژدی ممکن است؟..... ۳۹۲
- قهرمان تراژیک..... ۳۹۴
- تعارض تراژیک..... ۳۹۶
- هامارتیا..... ۳۹۶
- تأثیر تراژیک..... ۳۹۷
- تراژدی و بدبینی..... ۳۹۸
- انتقاد..... ۳۹۹
۱۵. ژبژک..... ۴۰۳
- تراژدی چیست؟..... ۴۰۳
- دشمنان تراژدی..... ۴۰۹
- انتقاد..... ۴۱۳
۱۶. نتیجه‌گیری‌ها..... ۴۱۷
- کتابنامه..... ۴۲۷
- نمایه..... ۴۳۵

مقدمه

تراژدی همواره فیلسوفان را شیفته خود کرده است. در آنچه از پی می آید تلاش می‌کنم گزارشی به دست دهم که نشان دهد در طول دو هزار و پانصد سال گذشته این فیلسوفان در مورد تراژدی چه حرفی برای گفتن داشته‌اند. آنچه [در مورد تراژدی] بیش از هر چیز افسونگر بوده، خصلت متناقض‌نمای اشتیاق ما به تراژدی است. درام تراژیک ترسیمگر تباهی افرادی است که گرچه همیشه بی‌نقص نیستند، دست‌کم به نحو بارزی خوب‌ترین افراد در میان ما هستند. به عبارت دیگر، درام تراژیک ترسیمگر وقایع اندوهبار است، وقایعی که به احتمال زیاد احساس «منفی» اندوه را در ما موجب می‌شود. اما اشتیاق ما [به تراژدی] نشان می‌دهد که در آنچه از تراژدی می‌گیریم باید چیزی سودمند، چیزی «مثبت» وجود داشته باشد. فلاسفه عموماً بر این باور بوده‌اند که سودمندی [تراژدی] برای آن‌که بر اندوه غلبه کند باید واقعاً پراهمیت باشد، آن‌قدر مهم که تراژدی را برترین شکل ادبیات کند و پرتکرارترین همه هنرها. شلینگ برای توصیف یا تعریف این سودمندی عبارت «تأثیر تراژیک»^۱ را ابداع کرد. این پرسش که معنای «تأثیر تراژیک» عبارت از چیست دغدغه کانونی ما در فصولی است که در پی می‌آیند.

فلاسفه به طور کلی از میان دو نوع پاسخ به مسئله تأثیر تراژیک یکی را انتخاب کرده‌اند. آن‌ها تأثیر تراژیک را یا در سطح حس و عاطفه قرار داده‌اند

به آن مقصود متمرکز می‌شوند. آن‌ها به نحو ضمنی با هوراس^۱ موافق‌اند که مقصود درام تراژیک، همانند دیگر انواع درام، صرفاً «کف و سوت زدن»^۲ تماشاگران و مسرت خاطر آن‌هاست. و عموماً نیز این‌طور تصور می‌کنند که هیچ امر بخصوصی در مورد سرشت چنین لذتی وجود ندارد که مسئله‌آفرین باشد. نظریه‌پردازی‌های زیادی در مورد تراژدی وجود دارد، اما از آن‌جا که کتاب حاضر درباره فلسفه تراژدی است این‌جا مورد بحث قرار نخواهند گرفت.

بی‌شک فیلسوفان تراژدی مهمی وجود دارند که من آن‌ها را از قلم انداخته‌ام. برای نمونه، من کار کسانی مثل میگل داونامونو^۳ را ملاحظه کردم اما خیلی نتوانستم با او همراه شوم. با وجود این، کتاب حاضر در پی آن است که دست‌کم نقشه‌ای نسبتاً جامع از گفته‌های فلاسفه غرب درباره تراژدی به دست دهد، که از افلاطون شروع شود و تا ژیزک ادامه یابد. و به همین دلیل این کتاب به‌نوعی خصلت کتاب درسی را نیز دارد. با توجه به این موضوع، نسبتاً تلاش کردم تا به‌وفور مباحث دست‌دومی را که درباره متفکران مورد توجه من وجود دارد ذکر کنم، به این منظور که پیشنهاداتی برای «مطالعه بیشتر» فراهم شود. با این حال، این کتاب واقعاً یک کتاب درسی نیست، همین‌طور صرفاً به دست دادن یک نقشه نیست، چراکه من در آخر فصول تلاش می‌کنم فیلسوفان مورد بحث را به بوته نقد بکشانم تا در مسائلی که دغدغه آن‌ها بوده تا حد معلومی به جمع‌بندی برسیم.

یا در سطح عقل و شناخت. تأثیر تراژیک یا نوع بخصوصی از لذت^۱ (احتمالاً از نوع تلخ و شیرین) - و به تعبیری که من به کار خواهم برد، «لذت تراژیک» - دانسته شده است یا این‌که تحصیل نوعی معرفت^۲. البته این دو نوع تأثیر تراژیک مانع‌الجمع نیستند و، همان‌طور که خواهیم دید، برخی فلاسفه نیز روا داشته‌اند که تأثیر «معرف»^۳ تراژیک هر دو نوع تأثیر را در خود جمع آورد. تحقیق در باب تأثیر، یا تأثیرات تراژدی، به معنای پرسش از مقصود آن است، همان چیزی که ارسطو آن را *telos* یا «علت غایی»^۴ می‌خواند. البته چنین تحقیقی عمیقاً در پیوند با تحقیق راجع به چیزی است که می‌توان آن را علت «صوری» تراژدی قلمداد کرد، یعنی فرم و محتوای آن. و برای همین فیلسوفان تراژدی عموماً به پرسش از چیستی تراژدی و این‌که چگونه باید آن را از دیگر فرم‌های ادبی متمایز کرد نیز اشاره می‌کنند. برای مثال، آن‌ها به نقش همسرایان^۵ در تراژدی یونانی یا به ضرورت یا عدم ضرورت اصطلاحاً وحدت‌های عمل، زمان و مکان، که در مورد تراژدی بسیار گفته می‌شود، علاقه‌مند شده‌اند. این موضوع نشان می‌دهد که علایق فیلسوفان گاهی با علایق نظریه‌پردازان دراماتورژی همپوشانی دارد. اما این دو نظام فکری نباید با هم خلط شوند. همان‌طور که در ابتدای فصل سوم مختصراً اشاره خواهم کرد، در حالی که فیلسوفان تراژدی بر تأثیر تراژدی متمرکزند و به خصلت متناقض‌نمای آن حساسیت دارند، نظریه‌پردازان دراماتورژی در طول تاریخ توجه بسیار کمی به مقصود تراژدی داشته‌اند و به جای آن بروسایل رسیدن

1. pleasure 2. knowledge

۳. 'the' tragic effect: این عبارت در طول کتاب تکرار می‌شود. همان‌طور که خواهیم دید، منظور نویسنده از قرار دادن the در داخل گیومه آن است که نشان دهد صحبت بر سر آن اثری از تراژدی بر مخاطبین است که «معرف» تراژدی باشد. به عبارت دیگر، تراژدی ممکن است نزد فلاسفه آثار مختلفی داشته باشد اما نزد هر فیلسوفی که در کتاب به او اشاره خواهد شد، تراژدی تأثیر «بخصوصی» دارد که همان تأثیر است که باعث می‌شود یک نمایشنامه یا متن ادبی را تراژدی بنامیم. برای نمونه، بنگرید به ص ۶۶. م.

4. final cause 5. chorus

Horace (۶۵-۸ ق.م): نویسنده و شاعر رومی در زمینه ادبیات طنز و هجو. م.

2. applause 3. Miguel de Unamuno